یادداشتی بر عاشقانه هایی که من دوست می دارم

مشتاقی نیا، هاله

ترجمه: زندیه، ندا

کتاب«عاشقانه‏هایی که من دوست می‏دارم» مشتمل بر متن آلمانی و فارسی اشعاری از مارگوت بیکل ترجمه ندا زندیه است.این ترجمه‏ شامل سه مجموعه شعر و همچنین اشعار پراکنده‏ای از بیکل است به نامهای؛«از رویاهایت‏ مهراس»،«در راه خویش برو»و«روزت را دریاب».

صدالبته آنچه شاملو با ترجمه خود در«سکوت‏ سرشار از ناگفته‏هاست»و«چیدن سپیده دم» از اشعار مارگوت بیکل به ما شناساند،از هر توضیح و تفسیری بی‏نیاز است.چه بر خود بیکل‏ هم پوشیده نیست که چنان ترجمه‏ای از عهده‏ هر کسی برنمی‏آید.با این همه دغدغه و تلواسه‏های این مترجم جوان را با هم می‏خوانیم.

متولد سال 1346 هستم.همیشه برای من‏ آشنایی و مطالعه اشعار معاصر فارسی لذت و آرامش خاصی به همراه دارد.خاصه اشعار شاملو و شعرخوانی‏اش برایم جالب است.از سن‏ هجده سالگی برای ادامه تحصیل به آلمان‏ رفتم و ده سال بعد وقتی به ایران بازگشتم، بیشتر وقت خود را صرف داستان‏نویسی و ترجمه کردم.پس از مرگ شاملو،هنگامی که‏ فیلم«شاملو به روایت تصویر»را دیدم،او با خواندن متنی از مارگوت بیکل به نام«در سفرم به سوی خویشتن» به شدت مرا تحت تأثیر قرار داد.به شناخت بیشتر بیکل علاقه خاصی‏ پیدا کردم و از طریق اینترنت نوشته‏های زیادی از او را در کنار آثاری‏ از نویسندگانی چون هسه و جبران خلیل جبران یافتم.ولی هیچ‏گونه‏ اطلاعاتی در مورد خود او موجود نبود.این شد که تصمیم گرفتم به‏ سراغ اصل کتابهایش به زبان آلمانی بروم و به ترجمه آثاری از او بپردازم.

مجموعه«عاشقانه‏هایی که من دوست می‏دارم»شامل سه کتاب اول‏ خانم بیکل است.این کتابها در آلمان بیش از یازده بار،تاکنون تجدید چاپ شده و دو تا از آنها هم به انگلیسی ترجمه شده است.انتخاب‏ اثری که پیشتر شاعری بزرگ و توانا چون شاملو با همکاری آقای‏ زرین بال آن را ترجمه کرده،آسان نبود.بااین‏حال هنگامی که کتابها به دستم رسید،تصمیم گرفتم برای تکمیل مجموعه‏ای کامل از مارکوت بیکل آن را ترجمه کنم.کتابها را تمام‏وکمال ترجمه کردم، وقتی ترجمه آثار به پایان رسید به سراغ نوارهای شاملو رفتم ترجمه‏ خود را با آن محک زدم.صدالبته متن این کتابها در عین سادگی، پیچیدگی خاص خود را دارد که مسلما در دست شاعری بزرگ چون‏ شاملو قوام بهتری می‏یابد.متن این ترجمه‏ها در کتاب«همچون‏ کوچه‏ای بی‏انتها»از شاملو به‏طور کامل موجود است.ایشان در مقدمه، ضمن ذکر دلیل انتخاب آثار بیکل،آورده که در ترجمه برخی از اشعار گاه فقط به مفهوم توجه شده است.

ترجمه کتابهای بیکل حال‏وهوای خاصی دارد.جالب این که‏ رهنمودهایش برای من که آن‏ها را ترجمه می‏کنم،بسیار قابل درک‏ و لمس است.این مهم باعث می‏شود تا در زمان ترجمه،عمیقا از کار ترجمه کتابهای بیکل حال‏و هوای خاصی دارد.جالب این که‏ رهنمودهایش برای من که آن‏ها را ترجمه می‏کنم،بسیار قابل‏ درک و لمس است.این مهم‏ باعث می‏شود تا در زمان ترجمه، عمیقا از کار لذت ببرم.

«مارگوت بیکل»متولد سال‏ 1958 و ساکن جنوب آلمان‏ است.تحصیلات الهیات داشته‏ و به عنوان مشاور گفتاردرمانی‏ عالیت می‏کند.اصولا در آلمان‏ از او به‏عنوان یک نویسنده نام‏ برده می‏شود نه یک شاعر! نوشته‏هایش هم درواقع شعر نیستند بلکه متون ساده‏ای‏ هستند؛برای کمک به انسان در جهت رسیدن به خودباوری، شناخت خویشتن،زندگی، عشق،آزادی و مرگ.

لذت ببرم.در نوشته‏های بیکل نوعی پیچیدگی‏ وجود دارد.فرم نوشتاری آنه خاصه نداشتن‏ ویرگول یا نقطه و شکل مسلسل‏وار جملات با تکرار افعال،گاه این تصور را قوت می‏بخشد که‏ خواننده در خوانش آنها دچار مشکل خواهد شد. با این حال در ترجمه اشعار به‏طور کامل به متن‏ اصلی و حفظ جمله‏بندیها وفادار بوده‏ام و حتی‏ سادگی جملات را گاه به عمد حفظ کردم.چون‏ زیبایی کلام در سادگی اشعار بیکل است.

«مارگوت بیکل»متولد سال‏1958 و ساکن جنوب‏ آلمان‏ست.تحصیلات الهیات داشته‏و به عنوان‏ مشاور گفتاردرمانی‏عالیت می‏کند.اصولا در آلمان از او به‏عنوان یک نویسنده نام برده می‏شود نه یک شاعر!نوشته‏هایش هم درواقع شعرنیستند بلکه متون ساده‏ای‏هستند؛برای کمک به انسان‏ در جهت رسیدن به خودباوری،شناخت خویشتن، زندگی،عشق،آزادی و مرگ.به نوعی راهنمای‏ زندگی است.او تاکنون حدود هفده کتاب به چاپ‏ رسانده و به‏عنوان نویسنده موفق کتابهای متنی‏ /تصویری(فتو تکست)شناخته شده است.

می‏توان بیکل را بنیانگذار چاپ کتابهای نفیس‏ تفکر برانگیز نامید.

تمام کتابهای بیکل همراه با عکسهایی بسیار زیبا به چاپ رسیده و هر صفحه شامل یک متن و یک عکس مرتبط با معنای نوشته است.خواننده در حین خواندن،حظ بصری نیز می‏برد و می‏تواند به نوعی،مراقبه‏ای درونی را آغاز کند.کتابهای او جزو کتابهای عرفانی و روان‏شناختی طبقه‏بندی شده‏اند.لازم به‏ذکر است‏ که برای شناخت بیشتر خانم بیکل پیش از ترجمه،با ناشر کتابهایش‏ تماس گرفتم.بیکل در اوایل دهه هشتاد میلادی که کتاب«روزت‏ را دریاب»نزد اولین ناشرش به چاپ رسانده حدود هجده سال داشته‏ است.ظاهرا در این اواخریک مرکز مدیتیشن را اداره می‏کرده و با مراکز مرتبط با کلیسای کاتولیک همکاری داشته است‏ با اکثر این مراکز تماس گرفتم ولی او همکاری خود را با آنها قطع‏ کرده بود.پس با ناشر جدید کتاب«عاشقانه‏هایی که من دوست‏ می‏دارم»تماس گرفتم.ویراستار بیکل با روی باز از توجه من استقبال‏ کرد و تنها او بود که حاضر شد تا اطلاعات مختصری،که در معرفی‏ کتابهای تازه بیکل در مجله‏شان چاپ شده بود،همراه با عکسی از او برایم ارسال نماید.امسال هم وقتی دوباره با ویراستارش مکاتبه کردم‏ تا اطلاعات بیشتری در اختیارم قرار دهد،در پاسخ به کنجکاویها و پیگیری‏ام تنها گفت که ظاهرا خانم بیکل مایل است حریم خصوصی‏ زندگی‏اش حفظ شود.

درحال‏حاضر در مراحل پایانی ترجمه پنج کتاب آخر او مربوط به‏ سالهای 2001 و 2002 هستم.تا به خواست خدا به دست چاپ بسپارم. در این کتابها هم ا زعشق،تحولات دورنی،زخمها،سرخوردگیها و دگرگونیهای زندگی سخن رانده شده که امیدوارم مور استقبال‏ خوانندگان قرار گیرد.در پایان چند شعر او را تقدیم حضورتان می‏کنم.

از رویاهایت مهراس

روی یک پل

پشت‏سر گذاشته شده

آشتی داد

یک راه قدیمی و جدید را

با گشاده‏رویی آگاهانه

با صراحتی شجاعانه

با نشانی از ترس

از تنهائی

پس از

اقرار به ترسها

لمس کردن آنها

به زبان آوردنشان

در عمق

وجودمان

باز می‏شوند

درهای قفل شده

و پنجره‏ها

اجازه ورود می‏دهند

به زندگی جدید

امید جدید و

اعتماد به نفس

بزرگترین آزمون شجاعت

برای آن که می‏خواهد

دور از

خیابانهای اصلی

زندگی

راه خود را بپیماید،

پذیرفتن

تنهایی

به‏عنوان

یک همراه

ثابت است

ما برای خود

تکه زمینی را

را شخم می‏زنیم

می‏کاریم بذله‏گویی‏ات را

شوخ‏طبعی‏ام را

خنده‏هایمان را

اشکهایمان را

خوشحالیمان را

ناراحتی‏هایمان را

و یک درخت کوچک.

می‏افشانیم

بذر آرامشت را

سکوتم را

معنویتمان را

عقیده‏هایمان را

دیوانگیهایمان را

عشقمان را

و گلهایی ساده.

می‏گذاریم امیدهایمان

بارور شوند

هیچ‏چیز

از باغ خوشبختی‏مان

چیده نخواهد شد.

خوشبختی پایدار را

انسان دور از خود

حس می‏کند

خوشبختی ناپایدار

به او عشق ورزیدن به لحظه‏ها را

می‏آموزد

جرات کن

تا خودت

و آنچه را که نیستی

در رؤیا ببینی

جرأت کن

تا خودت

و آنچه را که نداری

در رؤیا ببینی

جرأت کن

تا خودت

را همانگونه که واقعا هستی

در رؤیا ببینی

جرأت کن

تا خودت را

در رؤیا ببینی

و پس از بیداری

صورت رؤیای

واقعی‏ات

را مشوی